

چکیده:

مقدمه: دگرگونیهای شگرف آموزش عالی تحت تأثیر فناوری های اطلاعاتی، منجر به افزوده شدن وجهی جدید به منشور آموزش عالی شده است که توسعه سواد اطلاعاتی مدرسین نظام آموزش عالی از ضروریات آن است. با مطالعه نتایج حاصل از رتبه بندی آموزشی-پژوهشی دانشگاههای وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و رتبه نسبتا پایین دانشگاه علوم پزشکی زابل، با کسب رتبه ۳۹ از بین ۵۲ دانشگاه و دانشکده وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی از آنجا که سواد اطلاعاتی نقش موثری در فعالیت های آموزشی و پژوهشی دارد؛ هدف این پژوهش این است تا دریابد که آیا وضعیت سواد اطلاعاتی اعضای هیات علمی علوم پایه و علوم بالینی دانشگاه علوم پزشکی زابل در حد مناسبی است و آیا بین اعضای هیات علمی علوم پایه با بالینی از نظر سواد اطلاعاتی تفاوتی وجود دارد.

روش بررسی: روش این پژوهش پیمایشی توصیفی-تحلیلی است، که به صورت مقایسه ای در نیمه دوم سال تحصیلی ۸۸-۸۹ انجام گرفته است. یک پرسشنامه که روایی آن را دو نفر از صاحب نظران حوزه سواد اطلاعاتی تایید کرده اند و پایایی آن نیز با روش آزمون-آزمون مجدد محاسبه شده و $r = 0/85$ به دست آمد، ابزار جمع آوری داده ها بوده است. جامعه این پژوهش کلیه اعضای هیات علمی تمام وقت جغرافیایی دانشگاه علوم پزشکی زابل، در دو گروه علوم پایه ۲۹ نفر و علوم بالینی ۱۹ نفر (مجموعا ۴۸ نفر) را شامل شده است. که همگی با رضایت کامل به پرسشنامه ها پاسخ داده اند. برای آنالیز داده ها نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS و آزمون های t و کای اسکوئر، مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته ها: ۶۴/۶٪ جامعه را مردان، و ۳۵/۴٪ را زنان شامل می شوند که از این تعداد، رتبه علمی ۷۷/۱٪ مری، و ۲۲/۹٪ استادیار بوده اند. بین سواد اطلاعاتی دو گروه اعضای هیات علمی علوم پایه و علوم بالینی از نظر میزان شناخت منابع اطلاعاتی چاپی و الکترونیکی، تفاوت معنی داری وجود دارد. حال آنکه این تفاوت از نظر میزان استفاده از منابع اطلاعاتی چاپی و الکترونیکی در دو گروه اعضای هیات علمی، معنی دار نیست.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از تست فرضیه، با استفاده از آزمون t ، مشخص شد که بین دو گروه اعضای هیات علمی علوم پایه و علوم بالینی از نظر میزان شناخت انواع منابع اطلاعاتی اختلاف معنی داری وجود دارد در نتیجه فرضیه شماره ۱ تایید می گردد. حال آنکه بین دو گروه اعضای هیات علمی علوم پایه و علوم بالینی از نظر میزان استفاده از انواع منابع اطلاعاتی تفاوت معنی داری مشاهده نشد بنابراین فرضیه شماره ۲ پژوهش رد می گردد و دو گروه از نظر میزان استفاده از منابع اطلاعاتی در یک سطح قرار دارند.

بدین ترتیب با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و یافته های حاصل از آزمون های آماری، به این نتیجه می رسیم که گروه علوم پایه ضمن داشتن میزان شناخت بالاتر از منابع اطلاعاتی نسبت به گروه علوم بالینی، در استفاده و بهره گیری از این منابع اهتمام چندانی نداشته است. و نتیجه اینکه که کل جامعه مورد پژوهش از نظر مهارت های سواد اطلاعاتی، در سطح متوسطی قرار دارند.

کلیدواژه ها: سواد اطلاعاتی ، اعضای هیات علمی علوم پایه، اعضای هیات علمی علوم بالینی، دانشگاه علوم پزشکی زابل